

فریبرز لاجینی، موسیقی‌دانی است که به دلیل ساختن آهنگ‌هایی برای کانون پرورش فکری، آشنای کودکان و نوجوانان پیش از انقلاب است. ساختن موسیقی چند فیلم نیز در کارنامه پیش از انقلاب او وجود دارد. بعد از انقلاب، مدتی به فرانسه، اسپانیا و سویس رفت و موسیقی را به شکل کامل و اصولی تر آموخت و به عضویت انجمن جهانی آهنگسازان درآمد. مدتی با کانال دو تلویزیون فرانسه همکاری کرد. بعد از بازگشت به ایران، به صورت یکی از فعال‌ترین آهنگسازان فیلم درآمد. او متخصص موسیقی کامپیوتری در ایران است و فیلم "شانس زندگی" ساخته شهریار پارسایی پور را هم با همین روش ساخته است.

## موسیقی فیلم، به طور

## مستقل، یک اثر هنری است

گفتگویی با فریبرز لاجینی، آهنگساز فیلم

### آثار ساخته شده:

● نارونی ● دندان‌مار ● تیغ آفتاب ● تعقیب سایه‌ها ● سایه خیال ● گربه آوازخوان ● شانس زندگی ● آواز تهران ● دیدار در استانبول ● مردی در آینه ● اتل مثل تورنوله ● ردهای گرگ ● لالا و لولو ● گنج ● کیبوتر ● ازینهایت ● بالاتر از پرواز

باید جاذبه‌هایی فراهم کرد که یک

نوازنده و یونسل، آرشه را کنار نگذارد

و پرود کبابی باز کند!

● فیلم و سینما: این گفته را که موسیقی فیلم، هنری است که فی‌الضمه استقلالی ندارد و تنها در پس‌زمینه فیلم معنا می‌شود، چگونه تفسیر می‌کنید؟  
آیا موسیقی فیلم می‌تواند هنری مستقل از فیلم و صرفاً موسیقی باشد؟  
○ فریبرز لاجینی: شخصیت موسیقی فیلم، همچنان که از اسم آن پیداست، از ارکان یک ساخته سینمایی است. این که فی‌الضمه استقلالی ندارد، به این معنا نیست که نمی‌تواند استقلال داشته باشد بلکه مفهوم آن این است که می‌باید در خدمت تصویری باشد که به قصد آن ساخته شده است. قصد، ساخته شدن برای یک تصویر خاص است. این تصویر می‌تواند گردش آهنگین غزالی چابک و تیزپا در چمنزاری سبز و گسترده تا افق باشد، می‌تواند جدال خونین دو درنده جنگلی در انبوه درختان به هم فشرده و گرفته و سیاه و هول‌انگیز باشد.

سازنده موسیقی فیلم با نگاه و احساسی که از این دیدار به او دست می‌دهد، موسیقی هماهنگ را می‌آفریند. طبیعی است اگر تصویر، احساسی را القاء کند که موسیقی نتواند، در جایی کاشی و ناهماهنگی وجود دارد. با این دید، طبیعی است که موسیقی فیلم که همراه تصویر است، نمی‌تواند استقلال داشته باشد. اگر تماشاگر و شنونده این احساس را به هنگام تماشای تصویر بکند، سازنده موسیقی، به اعتقاد من، ناموفق است. یک اثر خوب موسیقی برای فیلم آن است که همراه با تصویر، این‌گونه بر آن سوار باشد یا از آن پس بماند، به گوش برسد. در حقیقت، موسیقی فیلم آن لحظه جلوه می‌کند که تصویر نتواند. حرفی بزند یا نیاز به اغراق و بزرگ‌نمایی، حرف آن باشد. اما این که موسیقی فیلم می‌تواند هنری مستقل از فیلم باشد، طبیعی است که اجرای یک چنین اثری بدون همراهی با تصویر، یک هنر مستقل است. با آنکه در زمانی و در مقطعی در خدمت یک تصویر بوده است، اما به تنهایی هم خود یک اثر هنری است؛ مگر نه آنکه در تمام زوایای خود، در زیر و بم خود، حرفی و احساسی برای گفتن و ارائه دارد؟ مگر نه آنکه احساس و شخصیت یک خالق اثر را بیان می‌کند؟ پس یک اثر هنری مستقل

